

روژنه

ظریف در نشست خبری با وزیر خارجه نیوزیلند:

باید در کنار بیانیه غرب اقدامات عملی هم باشد

● صبح روز شنبه اول خرداد وزیر امور خارجه نیوزیلند، در جریان سفر دوازده خود به تهران با محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان، دیدار کرد. این دو دیپلمات در ساختمان شماره یک وزارت خارجه با یکدیگر رازینی و گفت‌وگو کرده و سپس در جمع خبرنگاران به تشریح نتایج مذاکرات خود پرداختند. محمدجواد ظریف، درباره بیانیه مشترک اخیر آمریکا و چند کشور اروپایی برای همکاری با ایران، گفت: این موانع به‌تدریج در حال کناررفتن است و برخی از آنها در قالب برجام کناررفته است. ما تأکید بر آن داریم در کنار صدور بیانیه، باید اقدامات عملی نیز برای رفع موانع صورت بگیرد. وزیر خارجه ایران با اشاره به بیانیه‌ای که چندی پیش در حاشیه دیدار ظریف با کری در نیویورک از سوی وزیر امور خارجه این کشور صادر شد و همچنین بیانیه مشترک اخیر آمریکا و چند کشور اروپایی برای تشویق بانک‌ها برای همکاری با ایران، افزود: این نشان‌دهنده یک فضای سیاسی است و اینکه مجموعه این کشورها احساس می‌کنند لازم است تعهد خود را به اجرای برجام نشان دهند. البته باید در کنار بیانیه اقدامات عملی نیز داشته باشیم. او با اشاره به دیدار چند هفته پیش خود با کری در نیویورک و همچنین دیدار اخیرش با کری، هاموند و موگرینی در وین، اظهار کرد: در جریان این دیدارها توافق کردیم اقدامات عملی برای رفع موانع صورت گیرد و همکاری‌های گسترده‌ای بین بانک مرکزی ایران و مؤسسات پولی و اعتباری آنها انجام شود. در همین راستا تصمیم بر این گرفته شد که بانک‌های اروپایی برای همکاری با ایران تشویق شوند و قسمتی از این توافقات در این چارچوب انجام شده و قسمتی دیگر در حال انجام‌گرفتن است.موری مک‌کالی، وزیر امور خارجه نیوزیلند، ضمن قدردانی از سفر موفقیت‌آمیز چند هفته پیش وزیر امور خارجه کشورمان به ولینگتون، گفت: به‌عنوان وزیران خارجه متعهدیم موانع موجود بر سر روابط دوجانبه را از میان برداریم.

ادامه از صفحه اول

برای پرویزی که خواهد بود

تا امروز چیزی از هویت و شناسنامه‌ای فرهنگی در ذهن‌هایمان وجود داشته باشد. پرویزی که بود، به ما آموخت چگونه در سخت‌ترین شرایط کار کنیم و یک لحظه به خستگی فکر نکنیم و آرامش را برای زندگی و زندگانی پس از خود بگذاریم. پرویز اما، خود در سخت‌ترین شرایط، در اندوهی از غم که اطرافش را فراگرفته بود و ناتوانی دوستان و دوستدارانی که نمی‌دانستند برای او که با سکنه مغزی نزدیک به دو سال بود در موقعیتی بین مرگ و زندگی در تعلیق بود، چه باید بکنند، از میان ما رفت. بدون لبخندهایی که نمی‌توانست یزند، بدون شادمانی‌ای که نمی‌توانست احساس کند و بدون حس انسان‌دوستی و محبت‌ها و همبستگی‌ها و دبستگی‌هایی که بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود و حضور همیشگی‌اش بود. این هم شاید دست تقدیر و بی‌رحمی زندگی بود که پرویز این‌گونه جمع دوستانش را ترک کند. اما پرویز رفت که بماند و پرویزی که خواهد ماند، همان اندازه و شاید حتی بیشتر از عمری که برای ما گذاشت، در تاریخ فرهنگی ایران، پایدار خواهد ماند. نسل‌های بی‌درپی خواهند آمد و خواهند رفت و نقش‌هایی که پرویز در ذهن همه کودکان دیروز و امروز رقم زد؛ تصاویر هویت روستایی و عشایری و زندگی روزمره، کویر و بیابان‌ها، سبزه‌زارها و مردمان گوشه‌وکنار این کشور، تاریخ ما از قدیمی‌ترین ایام تا امروز و البته هنر او به‌منابه یک نقاش برجسته و از خیل آثانی که در دهه ۱۳۴۰، پایه‌های نوعی مدرنیسم هنری را برای ایران ریختند، برای همیشه باقی خواهد ماند. در تاریخ هنر ایران، هنر سخاخانه‌ای، بسیار وام‌دار کلاتری است که ترکیب‌هایی آوانگار را در آن وارد کرد و با استفاده از عناصر تجسمی و طرح‌های سنتی، با کولازهایی از تکه‌های فلزی، نشانه‌ها، آجرها و کاشی‌ها... و از تکه‌های خیره‌کننده برای ذهنیتی که مدرنیته را در زمانه با سنت نمی‌دانست، به وجود آورد و از آن پیشتر، زمانی که کلاتری به سوی موتیف کویر و مواد کاهگلی رفت، وقتی نقش‌ها و رنگ‌های بیابان در کارهایش به صورتی گسترده وارد شدند، ما را به‌نوعی با هویت‌های کهن خود پیوند زد با بازارها، کلبه‌ها، کوچه‌های پیچاپیچ روستایی، درها و پنجره‌های قدیمی و آجرهای سردر، و رنگ‌آمیزی‌های تند روستایی که روی کاکل، هم‌زمان آوانکار می‌یافتند و هم پیامی اساسی را دالما به ما منتقل می‌کردند. اینکه مدرنیته، معماری، شهرسازی و حتی آخرین فناوری‌های ما که در مجموعه «موبایل و اسطیر» از خود را نشان می‌دهند، نمی‌توانند بدون کوله‌باری از میراث فرهنگی با عمری هزاران‌ساله، که خواسته و ناخواسته به روش‌مان سبکینی می‌کند، راه به جایی ببرند. آثار کلاتری، تا قرن‌ها، حامل فرهنگ مردمی این پهنه باقی خواهند ماند و پرویزی که خواهد ماند، بار دیگر خاطره پرویزی که بود را، در زندگی و شادکامی و لبخندهای صمیمی و همیشگی‌اش برای ما، هر روز در مرور گذشته و حال و آینده‌مان زنده خواهد کرد.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

با حضور رئیس‌جمهور افغانستان و نخست‌وزیر هند

توافق ۳ جانبه بندر چابهار امضامی شود



علی عبداللہ خان، رئیس‌جمهور افغانستان

کرده بود آرامش پولی میان ایران و هند بیش از بازگرداندن پول‌های یادشده اهمیت دارد و در افزایش همکاری‌ها مفید خواهد بود.

به گفته او، استقبال بانک‌ها و تاجران هندی برای ورود به بازار ایران نیز بسیار گسترده بوده است، از سویی دیگر بازار هند جایگاه مناسبی برای صادرات کالاهای ایرانی مانند میوه، خشکبار، زعفران و ... است و باید از آن بهره برد.

تأثقته نمائد روشن‌شدن پروژه «فرزاد ب» یکی از انتظارات اصلی از این سفر است. پروژه‌ای که از جریان مناقصات کنار گذاشته شده و در اختیار هندی‌ها قرار داده‌ایم. به ذکر است حرجان رسمی روابط تجاری ایران و هند در ۱۱ ماه گذشته بالغ بر ۹ میلیارد دلار بوده است که سه میلیارد دلار آن مربوط به صادرات غیرنفتی ایران به هند و نزدیک به شش میلیارد دلار آنها واردات هند از ایران بوده است. اگر نگاهی نیز به حجم بالای تجارت چمدانی میان دو کشور بیندازیم، روشن می‌شود بهره‌برداری از بندر چابهار چقدر در توسعه تعاملات تجاری تهران و دهلی که بیشتر بر انرژی و محصولات پایین‌دستی حوزه انرژی متمرکز است؛ اثرگذار خواهد بود. مقامات دو کشور نیز امیدوارند سفر نخست‌وزیر این کشور فرصت توسعه روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری را بیشتر را مهیا کند.

از سویی دیگر برقراربودن روابط بانکی با هند در دوران تحریم باعث می‌شود اکنون چشم‌انداز روشن‌تری برای توسعه همکاری‌ها در این بخش وجود داشته باشد. آن‌طور که مقامات ایرانی می‌گویند مذاکرات مربوط به بازگرداندن پول‌های ایران انجام شده و نگرانی از این بابت وجود ندارد. افزون بر این سفیر کشورمان در هند در گفت‌وگو با «شرق» تأکید

●

پنجمین رئیس کیست

رقابت‌های خیرگان چهارم با حدود یکمیلیون و ۶۰۰ هزار رأی، باز هم به عنوان نفر اول تهران به خیرگان راه یافته بود و جنتی نفر پنجم رامافغان بود. بعد از فوت آیت‌الله مشکینی، هاشمی جدی‌ترین گزینه ریاست بود و برای آنکه یک رقابت شکل بگیرد، احمد جنتی هم آمد تا بخت خود را بیازماید. او در سایه حمایت تشکل متبوع خود، یعنی جامعه مدرسین تصمیم گرفت وارد رقابت با هاشمی شود؛ یعنی یک نامزد از جامعه روحانیت و یک نامزد از جامعه مدرسین. در رقابت بین جامعیتن، هاشمی‌رفسنجانی با ۴۲ رأی در برابر ۳۴ رأی جنتی توانست پیروزی خود را تثبیت کند.

ورود آیت‌الله مهدوی‌کنی

هاشمی در حالی بر کرسی ریاست تکه زده بود که باید جایگزین مرحوم مشکینی در انتخابات میان‌دوره‌ای خیرگان تهران برگزیده می‌شد. مرحوم مهدوی‌کنی خود را برای این مهم آماده کرد. آن هم در زمانی که موقعیت جسمانی مناسبی نداشت. بااین‌حال نامزد میان‌دوره‌ای انتخابات خیرگان تهران شد و توانست رأی بیاورد. تنها انتخاباتی که مهدوی‌کنی خود را در آن نامزد کرده بود، همان انتخابات بود. سه سال از عمر خیرگان چهارم گذشته بود که انتخابات هیأت‌نرئسه و رئیس آن باز هم در کانون توجهات قرار گرفت.

●

اگر هاشمی و جنتی تا آخرین لحظه بنای حضور در رقابت‌ها را نداشته باشند، احتمالاً رقابت بین نماینده‌های طرفین خواهد بود. از این سو، گزینه‌های احتمالی ابراهیم امینی و امامی‌کاشانی هستند و از آن سو، محمد مؤمن. مهم‌ترین گزینه محتمل نیز هاشمی‌شاه‌رودی است؛ گزینه در سایه همه رقابت‌های مربوط به ریاست خیرگان که نامی از او تا به این لحظه به چشم نخورده است

●

حالا علاوه بر هاشمی‌رفسنجانی، مهدونی‌کنی هم از جمله گزینه‌های جدی ریاست این مجلس به شمار می‌رفت. مهدوی‌کنی که در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۸۶ وارد مجلس شده بود در انتخابات سال ۸۹، یعنی یکی از سال‌های حساس تاریخ جمهوری اسلامی در انتخابات داخلی این مجلس حضور پیدا کرد. حضور او که قطعی شد، هاشمی‌رفسنجانی از رقابت صرف‌نظر کرد و این‌بار هم ریاست به شکل سنتی و بدون رقیب به دبیرکل فقید جامعه روحانیت مبارز رسید؛ با ۶۳ رأی.

مهدوی‌کنی سپس از انتخاب به عنوان رئیس مجلس خیرگان تعبیر جالبی به کار برد و گفت: «آقای هاشمی ریاست مجلس خیرگان را به من تفویض کردند»، چراکه هاشمی از قبل اعلام کرده بود در صورت نامزدی مهدوی‌کنی از رقابت با او صرف‌نظر خواهد کرد. مهدوی‌کنی بااین‌حال به دلیل بیماری و کهنوت سن اغلب در جلسات حضور نداشت و نایب او یعنی هاشمی‌شاه‌رودی اداره جلسات را بر عهده می‌گرفت.

آخرین رقابت در خیرگان چهارم

●

برقراری روابط با کشور تازه‌استقلال‌یافته برادشته شده بود و درنهایت در ۱۳۲۸ شمسی به قرارداد دوستی منجر شد و براساس آن، روش‌هایی صلح‌جوانه برای رفع اختلافات بین دو کشور پیش‌بینی شد. ایران و هند کنسولگری تأسیس و قراردادهای لازم را در زمینه‌های بازرگانی، کمرکی، کشتی‌رانی، هواپیمایی، فرهنگی و استرداد مجرمان و معاضدت قضائی امضا کردند. بعد از انقلاب اسلامی نیز هند ازجمله کشورهایی بود که خیلی زود نظام جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. در این سال‌ها روابط دو کشور به دلیل پدیدارشدن منافع اقتصادی، تکنولوژی، سیاسی به‌ویژه از سال ۱۹۹۰ گسترش یافت و شرایطی فراهم شد تا «آلای بهاری واج با»، نخست‌وزیر هند، در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) از ایران دیدار کند. در سال ۱۳۷۴ نیز آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران، به هند سفر کرد و برنامه اجرایی مبادلات فرهنگی، علمی و فنی بین دو کشور امضا شد. سفر بعدی در سال ۱۳۸۱ بود که رئیس دولت اصلاحات به هند رفت و برنامه اجرایی مبادلات فرهنگی برای سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۴ بار دیگر تنظیم و امضا شد. پس از آن رفت‌وآمدی در این سطح صورت نگرفت، اما در دولت یازدهم دیدارهایی در سطح وزرا انجام شد و اکنون نخست‌وزیر هند در تهران است.

گفتنی است محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، سال گذشته در ایستگاه پایانی دومین دور سفر منطقه‌ای خود بعد از توافقی هسته‌ای به دهلی‌نو رفت. او با نخست‌وزیر، معاون رئیس‌جمهوری، وزیر خارجه، وزیر کشتی‌رانی و حمل‌ونقل هند دیدار و گفت‌وگو کرد. علی‌طیبنیا، وزیر امور اقتصاد و دارایی، نیز دی‌ماه گذشته در رأس هیأت بلندپایه برای شرکت در کمیسیون اقتصادی دو کشور به هند رفت و سند جامع همکاری‌های اقتصادی دو کشور را در ۷۳ بند امضا کرد. «دارمندرا پرادهان»، وزیر نفت و گاز طبیعی هند، نیز یک ماه قبل - ۲۱ فروردین - به تهران آمد و با بن رئیس‌وزنه وزیر نفت و تعدادی از مقامات کشورمان رازینی کرد. او در این سفر از آمادگی برای پرداخت بدهی نفتی این کشور و سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارددلاری در ایران خبر داد. یک هفته بعد «سوشما سوراج»، وزیر خارجه آنها، آمد و در دیدار با ظریف آخرین ویرایش و دیدگاه‌های دو کشور درباره تحولات افغانستان، سوریه، عراق و دیگر مسائل بین‌المللی را بررسی کرد. این رفت‌وآمدها نشان‌دهنده عزم جدی هند برای توسعه روابط با ایران است و اکنون حضور نخست‌وزیر آنها و همزمانی آن با سفر اشراف‌غنی که منجر به توافق سه‌جانبه درباره چابهار می‌شود، گام مهمی در توسعه روابط در عصر سپابر جام است.

●

پنجمین رئیس کیست

ریاست، ظن کسی به یزدی نمی‌رسید. همه اخبار روزهای قبل و پیش‌بینی‌ها از رقابت احتمالی دو هاشمی خبر می‌داد. اما بازی طور دیگری پیش رفت. پیش‌تر، البته نام‌های دیگری چون احمد جنتی و آیت‌الله مصباح‌یزدی را هم به عنوان نامزدهای احتمالی معرفی کرده بودند؛ این‌ا را آیت‌الله موحدی‌کرمانی گفته بود. مصباح و جنتی نیامدند. هاشمی‌شاه‌رودی، جدی‌ترین گزینه‌ای که از او برای رقابت با هاشمی‌رفسنجانی نام برده می‌شد، در همان دور اول انصراف داد.

بعد از آن هاشمی‌رفسنجانی اعلام کاندیداتوری کرد. با این اعلام آیت‌الله‌یزدی و محمد مؤمن (نماینده قم در خیرگان و از اعضای شورای نگهبان) هم اعلام کردند، می‌خواهند به صف رقابت بپیوندند و بر همه پیش‌بینی‌ها خط بطلان کشیدند. با این‌حال هیچ‌یک از این سه‌گزینه نتوانستند اکثریت آرا را به دست آورند. از مجموع ۷۳ نفر حاضر در مجلس، ۳۵ نفر به یزدی، ۲۵ نفر به هاشمی‌رفسنجانی و ۱۳ نفر به مؤمن رأی دادند. به‌این‌ترتیب مهدوی‌کنی، هاشمی‌رفسنجانی رقیب جدی یکدیگر شدند تا تکلیف ریاست آنها در دور دوم مشخص شود. یزدی در این مرحله توانست ۴۷ رأی را از آن خود کند و هاشمی ۲۴ رأی را کسب کرد. از میان ۷۳ رأی که دو رأی آن هم باطله محسوب شده است، یزدی پیروز این رقابت پیش‌بینی‌نشده، شد.

●

رویارویی یزدی و هاشمی

یزدی و هاشمی‌رفسنجانی پیش‌تر یک‌بار دیگر، نه به‌عنوان رقیب بلکه در عرصه رسانه با هم مواجه شده بودند. ماجرا مربوط به سال ۸۸ است. سه روحانی یعنی محمد یزدی، سیدحمید روحانی و روح‌الله حسینیان در آن سال نسبت به مواضع هاشمی‌رفسنجانی درباره انتخابات پرسوودای آن سال انتقاداتی را مطرح کردند. هاشمی‌رفسنجانی اما در دیدار جمعی از روحانیون و عاظ و در جواب جمعی از حضار که اجازه جواب به اظهارات آقایان یزدی و حسینیان و حمید روحانی را خواست، گفته بود: «سال‌هاست که جواب من به آقای یزدی درخواست‌های برای ایشان است، اما مسافانه ایشان بر اثر مشکلات جسمی گاهی دچار عصبانیت می‌شود و عجولانه اعلام‌نظر می‌کند. افرادی هم هستند که شهرت خویش را از راه اهانت به دیگران می‌خواهند که جواب این‌گونه افراد هم سکوت است و دعا برای هدایتشان».

رئیس پنجم چه کسی است؟

خیرگان پنجم، چهارم خرداد تشکیل می‌شود،بدون حضور آیت‌الله محمد یزدی. هاشمی‌رفسنجانی اعلام کرده است که فعلا نمی‌خواهد گزینه ریاست مجلس باشد. در نامزدشدن جگت هم هنوز تردید وجود دارد. اگر این دو نفر آخرین لحظه بنای حضور در رقابت‌ها را نداشته باشند، پرواضح است که رقابت بین نماینده‌های طرفین خواهد بود. از این‌سو، گزینه‌های احتمالی ابراهیم امینی و امامی‌کاشانی هستند و از آن سو، محمد مؤمن. درباره موحدی‌کرمانی به دلیل حضور در هر دو فهرست تا به اینجا نمی‌توان قضاوتی کرد. هرچند رأی‌آوردن او به‌دلیل قرارگرفتن نامش در فهرست خیرگان مردم بود. او دبیرکل جامعه روحانیت مبارز است که تعلق خاطر به جامعه مدرسین و رئیس و اعضای آن دارد. از دیگر گزینه‌ها می‌توانند نمایندگی آیت‌الله جنتی را داشته باشند، می‌توان به محمد مؤمن اشاره کرد. مهم‌ترین گزینه محتمل نیز هاشمی‌شاه‌رودی است؛ گزینه در سایه همه رقابت‌های مربوط به ریاست خیرگان که نامی از او تا به این لحظه به چشم نخورده است. تا چهارم خرداد فرصتی زیادی باقی نمانده و پاسخ همه این‌ا و اگر‌ها به‌زودی روشن خواهد شد.

نگاه

بیانیه سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح به مناسبت آزادی خرمشهر

زنده‌شدن روح مقاومت و حماسه

● **اینها:** ستاد کل نیروهای مسلح و سپاه به مناسب آزادسازی خرمشهر بیانیه صادر کردند. در بخشی از بیانیه سپاه آمده است: «فتح خرمشهر که در ادامه موفقیت‌های زنجیره‌ای فرزندان اسلام در مرحله نوبن جنگ پس از حذف بنی‌صدر از صحنه معادلات دفاعی کشور رقم خورد یک جهش بسیار بلند به سمت فروریختن تدریجی دژهای متجاوزان بعثی و عقیم‌ساختن هدف دشمن در نابودی انقلاب و فروپاشی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود». در ادامه این بیانیه آمده است: «با پیروزی عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر در سوم خردادماه سال ۱۳۶۱ معادلات و محاسبات ابرقدرت‌های شرق و غرب در عرصه جنگ تحمیلی بر هم ریخت و با تغییر ماهیت جنگ و روند آن اراده ملت ایران بر اخراج کامل اشغالگران بعثی تحقق یافت». ستاد کل نیروهای مسلح هم در بیانیه‌ای آورده است: «با گذشت ۳۴ سال از حماسه بزرگ و تاریخ‌ساز آزادسازی خرمشهر، همچنان یادآوری «عملیات بیت‌المقدس» و حماسه مقاومت، ایثار و پیروزی رزمندگان اسلام در پاکسازی خرمشهر از لوث وجود اشغالگران بعثی باعث زنده‌شدن روح مقاومت و حماسه و تولید عزم اراده ملی برای مقابله با دشمنان انقلاب و بدخواهان ایران عزیز می‌شود».

●

ادامه از صفحه ۷

پایان جنگ بعد از فتح خرمشهر نه صلاح بود، نه ممکن

سیل تخلیه گشتی‌ها و تریلی‌ها که تجهیزات و مهمات می‌بردند، به سمت آب‌های مهمات زیر بصره و التاجی بغداد سرازیر بود که همه‌شان را سمت شوری بوده و بلافاصله بعد یک هفته بعد از فتح خرمشهر شروع شده بود. عراق نباید شکست می‌خورد، هرچه توانستند کمک کردند. ۲۰ خرداد صدام اعلام کرد می‌خواهد نیروهایش را از خاک ایران ظرف ۱۰ روز به عقب برگرداند منتها نه همه نقاط تصرف‌شده و ازجمله شلمچه که نزدیک بصره بود. عملیات بیت‌المقدس خیلی حساب‌شده و باعطاف بود و به‌خوبی اجرا شد و اگر ما توان لازم را داشتیم، می‌توانستیم زودتر به هدف اصلی‌ای که مرحله سوم و چهارم بود، برسیم.

❧ برخی معتقدند جنگ می‌توانست بعد از آزادی خرمشهر تمام شود. آیا اجماع بر این بود که مرحله سوم بیت‌المقدس که تا‌نام مانده بود، انجام شود؟

هدف آمریکا همیشه به ازوا کشاندن انقلاب و توان انقلاب ایران است و هنوز هم ادامه دارد و تا به آنجا نرسند، دست‌بردار نیستند. ما متوجه این مسئله هستیم، در خاتمه عملیات بیت‌المقدس آیا ما به ضعف کشیده شده بودیم؟ قطعا خیر؛ دیدند سپاه، نیروی زمینی، هوایی، مردم و همه مسلح هستند، همه که برخلاف تصورشان بود. پس راحت نمی‌نشینند، وقتی دیدند اوضاع درحال چرخش است به پشتیبانی عراق آمدند تا شکست نخورد. پس ما باید این امتیاز را را از آنها بگیریم. از نظر نظامی ما متوجه این مسئله بودیم که نقاط حساس و حیاتی عراق کجاست و اگر موفق به تصاحب آن شویم، مأموریت اینکه خودمان را به شمال و گلوگاه جوسپاییم و آن را بگیریم انجام داده‌ایم. تا آخر جنگ هم دنبال همین بودیم؛ کربلای ۴، خیبر، کربلای ۵، فاو، همه بر محور بصره بود، بنابراین به عنوان افسر اطلاعات تشخیص دادیم مواضع عوارض حساس منطقه کجاست؛ من سه منطقه روی شط‌العرب از القرنه تا بصره شناسایی کردم، یکی نشوه یکی بزرجمی و یکی تکه تکه، اما این سه منطقه بود. اگر به اینجا نیز می‌رسیدیم تکلیف جنگ روشن می‌شد و آنها هم متوجه این مسئله شدند و نگذاشتند این کار انجام شود؛ بنابراین ما نمی‌توانیم از نظر نظامی در خط مرز صدمردص برابر طرح پیش نمرود.

❧ پس همین عقب‌نشینی که صدام گفته بود هم به صورت کامل انجام نشد؟

در غرب کشور اراضی زیادی را نگه داشت؛ «زین الکشن»، «میسک»، «سومار»، «حمرین (غرب کرخه)»، «شلمچه» تا نهر خَین و نگذاشت به سمت شلمچه برویم. فاصله شلمچه تا بصره ۱۵کیلومتر است. یک کیلومتر آن هم خیلی تأثیرگذار است. بنابراین اجازه پیشروی را نداد.

❧ پس امکان این‌که همان جا جنگ تمام‌شود وجود نداشت؟

به عقیده من خیر؛ چون به نظر من صلاح بود و نه آنها دست‌بردار بودند. آنها برای جنگ برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرده بودند. به خصوص آمریکا، که هدفش انقلاب بود. در آن تاریخ در فتح خرمشهر، انقلاب ما از لحاظ توان نظامی، توان روحی و مدیریتی به اوج رسیده بود؛ بنابراین جنگ از طرف مقابل ادامه پیدا می‌کرد تا آنها به هدفشان که اصل انقلاب بود برسند. از نظر نظامی هم ماندن در امتداد مرز مسطح و صاف به صلاح نبود.